

چکیده

تشکیل حکومت صفوی در آغاز قرن ۱۰ ق/ ۱۶ م نقطه عطفی در تاریخ ایران به شمار می‌آید؛ برپایی حکومتی متمرکز و احیای قدرتی واحد پس از سال‌ها حکومت ملوک‌الطوایفی و رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع، سبب تثبیت قدرت، امنیت راه‌ها و رونق گرفتن تجارت گردید؛ تجارت داخلی و خارجی به‌ویژه تجارت منسوجات در این دوره یکی از مسائل مهم حکومتی بود که پادشاهان صفوی در رابطه با آن فعالیت می‌کردند. هدف پژوهش حاضر، بررسی تجارت به‌ویژه تجارت منسوجات در عصر صفوی با دول عثمانی، هند و روسیه می‌باشد. سؤال اصلی این است که عوامل شکوفایی و رونق تجارت با کشورهای مذکور در دوره صفویه چه بوده، و چه منسوجاتی از کشور صادر و چه نوع پارچه‌هایی وارد می‌شد؟ فرضیه اصلی در پاسخ به سؤال مورد نظر این است که تشکیل حکومت صفوی باعث ثبات سیاسی گردید و حمایت شاهان صفوی از تجارت به ویژه تجارت منسوجات و کیفیت بالای محصولات نساجی ایران در این دوره باعث بالا رفتن بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی و تجارت خارجی به ویژه تجارت پارچه گردید. یافته‌های اصلی این پژوهش نشان می‌دهد که تشکیل دولت صفوی باعث اتحاد سیاسی کشور، امنیت راه‌ها، رونق تجارت و بازرگانی شد؛ و حمایت شاهان صفوی از تجارت باعث رشد و شکوفایی تجارت خارجی به‌ویژه تجارت منسوجات و رونق اقتصادی چشم‌گیری در کشور شد.

واژه‌های کلیدی: صفویه، عثمانی، هند، روسیه، تجارت منسوجات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۱. کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد zeinaliarsalan@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد Mobayen2005@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۳۱

عصر صفوی یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی ایران است که از لحاظ سیاسی و اقتصادی نسبت به دوره‌های قبل متمایز می‌باشد. با ظهور و تثبیت سلسله صفوی همگام با اتحاد سیاسی کشور که باعث استواری و تثبیت مرزها، رسمی شدن مذهب تشیع، رونق تجارت و بازرگانی، امنیت راه‌ها و گسترش صنایع پیشه‌وری گشت؛ این دوره به دلایل متعددی از موقعیت ممتازی مانند: به وجود آمدن رقابت سیاسی و تجاری بین صفویان و عثمانی‌ها در غرب و شمال غرب، تقارن زمانی با رشد مناسبات تجارت بین‌المللی و تعامل با کمپانی‌های هند شرقی اروپا، آغاز شکل‌گیری انقلاب صنعتی اروپا، افزایش تولید و کوشش تجار اروپا برای بدست آوردن بازارهای جدید، استیلای عثمانی‌ها بر شاهراه‌های عمده تجاری و بسته شدن راه‌های بازرگانی بین آسیا و اروپا، برخوردار می‌باشد.

بسیاری از شهرهای ایران در این دوره به دلیل عبور کاروان‌های تجاری و رفت و آمد تعداد بی‌شماری از بازرگانان داخلی و خارجی، از لحاظ تجاری رونق قابل ملاحظه‌ای یافتند. گزارش‌هایی که سیاحان اروپایی از اوضاع تجاری، اقتصادی و وضعیت معیشت مردم ایران عصر صفوی ارائه کرده‌اند، منبع مناسبی است که از طریق آن می‌توان به مهم‌ترین کانون‌های تجاری ایران و چگونگی فعالیت‌های بازرگانی و اقتصادی در آن مناطق پی برد و حیات اجتماعی، اقتصادی جامعه آن روز ایران را به خوبی در ذهن متصور کرد.

تاریخ اقتصادی و تجاری حکومت‌ها مقوله‌ای مهم، و در عین حال موضوعی است که کمتر به آن توجه شده است؛ با توجه به این که تاکنون پژوهش مستقلی در زمینه تجارت پارچه در ایران عصر صفوی تدوین نشده و در آثار مختلف تنها به جنبه‌هایی از اقتصاد و تجارت پرداخته شده، به همین خاطر تدوین پژوهشی مستقل در این موضوع ضروری می‌نماید. روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع تاریخی، تطبیقی و توصیفی بوده و روش انجام کار به صورت کتابخانه‌ای و نحوه جمع‌آوری اطلاعات به شیوه فیش‌برداری است.

پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر به تجارت منسوجات در عهد صفوی با کشورهای عثمانی، هند و روسیه می‌پردازد؛ گرچه مطالعات و تحقیقات فراوانی در این خصوص صورت گرفته، لیکن تحقیق مستقلی در این باره وجود ندارد؛ به همین دلیل به بررسی منابع مرتبط با موضوع اشاره می‌شود. کتاب سیاست و اقتصاد عصر صفوی نوشته باستانی پاریزی و کتاب تاریخ ایران دوره صفویان پژوهشی از دانشگاه کمبریج در فصل‌هایی به تجارت و عواملی که در تحول اقتصادی ایران عصر صفوی، مانند وضعیت و امنیت راه‌ها، کاروانسراها، داد و ستد ابریشم و سایر کالاهای صادراتی و وارداتی، و ... مؤثر بوده‌اند، صحبت می‌کنند. رودلف. پ. متی در کتاب اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی به تاریخ اقتصادی دوره صفوی و وضعیت تجارت و دست اندرکاران تجارت خارجی ایران می‌پردازد. کتاب مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران تألیف جان فوران، در مورد ساختار اقتصادی ایران و روابط خارجی دولت صفویه با دول اروپایی و آسیایی سخن می‌راند. واهان بایبوردیان در کتاب نقش ارامنه ایران در تجارت بین‌المللی تا پایان سده ۱۷ میلادی به گسترش نقش



بازرگانان ارمنی در داد و ستد بین‌المللی سده‌های میانه، روابط تجاری ارمنیان ایران با روسیه، مناسبات تجاری ارمنیان با هندوستان، کشورهای خاور دور، آسیا و ... اشاره می‌کند.

پژوهش‌هایی مانند «سیاست‌های شاه عباس اول در رونق تجاری ایران» به قلم جهانبخش ثواقب و «تجارت خارجی ایران در دوره صفویه» به قلم حکیمه امیری به موضوعاتی از قبیل تجارت ابریشم، بازرگانی، روابط اقتصادی خارجی، راه‌ها، شهرهای مهم تجاری، کالاهای وارداتی، صادراتی و... در این عصر می‌پردازد. ابوطالب سلطانیان در مقالات «کارکرد ارمنیان جلفا در اجرای سیاست انحصار ابریشم و گسترش بازرگانی خارجی ایران» و «کارکرد ابریشم و نقش بازرگانی ارمنی در اقتصاد و سیاست صفویان (از دوره شاه عباس یکم تا پایان حکومت صفویان)» به نقش ارمنه در تجارت خارجی دوره صفویه، اقلام و کالاهای تجاری و ... می‌پردازند.

پیشینه تاریخی تجارت از اسلام تا پایان تیموریان

کشور ایران در ادوار مختلف به علت موقعیت طبیعی و اقتصادی، در تجارت نقش بسیار مهمی داشته، زیرا که اکثر جاده‌های مهم بازرگانی به سوی هند و چین و اروپا از ایران می‌گذشته است، مانند جاده‌ای که از سواحل مدیترانه شروع می‌گردد و به ترکستان و چین می‌رفته و شاخه دیگری از آن از خراسان به طرف هند امتداد داشته است؛ جاده دیگری هم وجود داشت، به نام جاده ابریشم که از چین و آسیای مرکزی و ایران عبور می‌کرد به طرابوزان منتهی می‌گردید. علاوه بر راه‌های شمالی، راه‌های بازرگانی دیگری از جنوب ایران و خلیج فارس، عبور می‌کرده و ادویه هند از همین راه به اروپا برده می‌شد و به راه ادویه معروف بود (تاج‌بخش، ۱۳۸۱: ۶۴۱). همواره تجارت و اقتصاد عاملی مهم در ثبات، استحکام قدرت و حکومت محسوب می‌شود؛ از دیرباز تا به امروز تجارت در داخل و خارج از مرزهای کشور رونق داشته و تابع اوضاع و احوال سیاسی و روش حکومت‌ها بوده است؛ در ادواری که قدرت مرکزی و امنیت داخلی وجود داشته، تجارت و بازرگانی رونق و رواج زیاد پیدا کرده و سطح درآمد مردم بالا رفته ولی زمان‌هایی که به علل ضعف حکومت مرکزی یا هجوم اقوام همسایه، مرکزیت و امنیت از میان رفته، همه مظاهر اجتماعی از جمله تجارت متزلزل گردیده است؛ گاهی نیز تجارت با توجه به شرایط و حوادثی مانند قحطی، خشکسالی و ... افول یا گسترش پیدا می‌کرد. (تاج‌بخش، ۱۳۷۸: ۳۵۰/۲). به گفته باستانی پاریزی هیچ تحول سیاسی و تاریخی نیست که یکی از عوامل انشای آن؛ عامل اقتصادی نباشد و هیچ پدیده تاریخی و سیاسی هم نیست که منشأ یک تحول اقتصادی نشود، به عبارت دیگر اقتصاد و سیاست و در نتیجه تاریخ هیچ‌گاه از هم منفک نبوده‌اند (باستانی پاریزی، ۱۳۶۲: ۱۹).

در قرن دوم هجری فعال بودن راه‌های تجاری، باعث تحولات زیادی در جامعه طاهریان شد؛ در عهد سامانیان نیز ایران در سایه جهاد و وجود دولتی نیرومند و دادگستر، از امنیت نسبی برخوردار بود. دولت از تجارت حمایت می‌کرد و شرایط و زمینه‌های مساعد را برای این کار فراهم می‌ساخت، متون جغرافیایی که در قلمرو سامانیان یا همزمان با آنان تألیف شده، همچنین حفاری‌های جدید از رونق و شکوفایی بازرگانی و وجود راه‌های تجاری طولانی در این عصر حکایت دارند (ناجی، ۱۳۸۶: ۳۱۱). توسعه بازرگانی شرق ایران که از زمان سامانیان آغاز شده بود، در دوره غزنویان نیز

ادامه یافت؛ به علت افزایش فلزات گران بها در این دوره که بیشتر از غارت بت‌خانه‌های هند بدست آمده بود، در امور داد و ستد تحولاتی پیدا شد و بازرگانی توسعه پیدا کرد. (تاج‌بخش، ۱۳۸۱: ۶۴۲) تجارت ترانزیت پس از حاکم شدن سلجوقیان، با ساختن کاروانسراها در سراسر کشور نهادینه شد (گندگدو، ۱۳۸۸: ۱۴۲). در دوره سلجوقی محصولات مازاد بر نیاز، در مناطق تجاری فروخته یا مبادله می‌شد؛ یا توسط تاجران بزرگ به خارج از ایران صادر می‌گردید، پارچه‌های متنوع از جنس ابریشم، پنبه، پشم، دستار، لباس، پرده، پلاس، جاجیم، زیلو، گلیم، قالی، نمد، بوریا، ابریشم، کالاهای چرمی و... منسوجاتی بودند که در بازارهای داخلی و خارجی مبادله می‌گردید (فروزانی، ۱۳۹۳: ۴۱۸).

پس از حمله مغول به ایران به علت از میان رفتن عده زیادی از مردم و خرابی بیش از حد شهرها، نظام بازرگانی ایران نیز مانند سایر نظام‌های اجتماعی از هم گسیخت (تاج‌بخش، ۱۳۸۱: ۶۴۳). برای رفع این مشکلات و گسترش تجارت، چنگیزخان شرایط بسیار مناسبی برای بازرگانان تعیین کرد و به آنان امنیت کامل برای کارشان داد. منکو حتی به منظور جلوگیری از تصادم میان بازرگانان و مراقبان بازار، دستور داد جواز پیشه به نام، بازرگانان صادر گردد؛ قآن‌ها می‌کوشیدند، داد و ستد را در میان مغولان نیز تقویت کنند و برای تشویق آنان، سرمایه ضروری اولیه را به آن‌ها هدیه می‌دادند. حتی هنگامی که به اوکتهای گزارش دادند، که در داد و ستد با هندوستان سود نصیب دشمنان وی می‌شود، با قطع روابط بازرگانی با آن کشور موافقت نکرد (اشپولر، ۱۳۸۶: ۴۳۰). در عهد تیموریان گرچه لشکرکشی‌های تیمور موجب ایجاد رعب و وحشت بر دل مردم و حکومت‌ها شد، اما با این حال او آرامش و آسایش مردم ساکن در کشورهای مفتوحه را تأمین کرد. پس از او امیرزادگان و امرای نامدار در نواحی مختلف، ضررهای گذشته را جبران کردند. آنان به این نکته مهم پی برده بودند که لازم است برای تأمین رفاه مردم و بهبود وضع اقتصادی، زراعت و تجارت را توسعه دهند (آکا، ۱۳۹۰: ۲۵۳). دوره تیموریان مصادف بود با اواخر قرون وسطی و توسعه بی‌سابقه روابط بازرگانی شرق و اروپا، در نتیجه در ایران هم تجارت بیش از پیش توسعه یافت؛ و به علت توجه زیاد تیمور به عمران و آبادی سمرقند و ماوراءالنهر، این نواحی مرکز ثقل اقتصادی و بازرگانی گردید و شاهراه‌های بزرگ تجارتهی بیشتر در این نواحی به وجود آمد (تاج‌بخش، ۱۳۸۱: ۶۴۴).

به نظر کلاویخو تیمور برای اینکه پایتختش را یکی از شهرهای مهم و عمده کند، پشتیبان بازرگانی و داد و ستد بوده است؛ او همچنین از بازار بزرگ سمرقند و کالاهایی مانند چرم، کتان، حریر، پرنیان و... که در این بازار وجود داشت، سخن به میان آورده است، در عهد حکومت جانشینان تیمور، به‌خصوص در زمان شاهرخ، بازرگانی شمال و شرق ایران توسعه بیشتری یافت؛ همچنین وی در تنظیم روابط تجاری، تعمیر راه‌ها، تسهیل کار تجار و مسافران کوشش زیادی از خود نشان داد (میرجعفری، ۱۳۷۵: ۲۶۰). و رفتارهای مسالمت آمیز آن‌ها با مسیحیان و یهودیان نیز، به مناسبات تجاری اروپاییان با سرزمین‌های مفتوحه تحت اشغال تیموریان، رونق بیشتری بخشید (آکا، ۱۳۹۰: ۲۶۱).



تجارت ایران در عصر صفوی

تجارت ایران در عصر صفوی از ویژگی‌های خاصی مانند، رقابت بزرگ‌ترین دولت اسلامی یعنی عثمانی، توجه به بازارهای اروپا برای صدور ابریشم، قالی و دیگر تولیدات ایران، استفاده از اقلیت‌های مذهبی برای اداره امور تجاری کشور در ممالک اروپایی برخوردار بوده است؛ از ویژگی‌های دیگر تجارت عصر صفوی معاصر بودن با انقلاب صنعتی در اروپا و تسهیل تولید و کوشش تجار اروپا برای جذب بازارهای شرقی و در نتیجه تقابل تجار ایرانی با اروپایی است ((تاریخ ایران دوره صفویان کمبریج، ۱۳۹۳: ۲۳۱؛ صفاکیش، ۱۳۹۰: ۲۳۵)). دولت صفویه به علت تغییر عمده موازنه تجارتهای جهان که با فتح قسطنطنیه به وسیله سلطان محمد فاتح ۱۴۵۳ م و کشف راه دریایی به سوی جنوب شرقی آسیا با دور زدن دماغه امیدنیک ۱۴۸۷ م/۸۹۲ ق به وسیله پرتغالی‌ها روی داد، به تجارت پرونوقی دست یافت (نویسی و غفاری فرد، ۱۳۹۴: ۲۹۶). شاردن می‌نویسد: «بازرگانی در مشرق‌زمین یک پیشه بسیار افتخار آمیزی به‌شمار می‌رود، و تجارت را بهترین قسمت از حرفه‌های تقریباً استوار می‌دانند، به طوری که سرنوشت آن چندان در معرض آفات و عوارض نمی‌باشد. بازرگانان مشرق‌زمین با کمال ابهت و عظمت به تجارت می‌پردازند؛ اعظم و بزرگان، حتی پادشاه نیز به تجارت می‌پردازند» (شاردن، ۱۳۳۵: ۴/۳۶۳-۳۶۵). در اوایل عصر صفوی، اوضاع اقتصادی به علت آشوب‌های داخلی و جنگ‌های خارجی چندان خوب نبود، ولی کم‌کم با امنیت و آرامش یافتن اوضاع داخلی و توجهی که سلاطین صفوی به‌ویژه شاه‌عباس به امر تجارت نشان دادند، کار تجارت رونق گرفت (تاج‌بخش، ۱۳۷۸: ۲/۳۵۰).

آنچه می‌شود ذکر نمود اینکه در دوره پادشاهان اولیه دولت صفوی یعنی سه پادشاه قدرتمند این سلسله، شاه‌اسماعیل، شاه‌طهماسب اول و به‌خصوص شاه‌عباس اول به خاطر عمران و آبادی، ساختن راه‌ها، کاروانسراها و معافیت‌های گمرکی و از همه مهم‌تر ایجاد امنیت برای تجار و تشویق آنان، تجارت داخلی و خارجی از رونق باشکوهی برخوردار شد (صفاکیش، ۱۳۹۰: ۲۳۶). سلاطین صفوی بزرگ‌ترین تاجران کشور محسوب می‌شدند به طور مثال گفته‌اند، شاه-طهماسب از مشرق پارچه بوسکاسینی^۱، از خراسان مخمل و دیگر پارچه‌های ابریشمی و از حلب پارچه‌های پشمی خواست و فرمان داد که از آن‌ها جامه بدوزند و آن‌ها را به ده برابر قیمت به سپاهیان خود فروخت (سفرنامه‌های ونیزیان در ایران؛ شش سفرنامه، ۱۳۸۱: ۴۶۸).

در آغاز فرمانروایی شاه‌عباس اول اوضاع داخلی و خارجی ایران بسیار آشفته بود. مرزهای غربی کشور در اشغال ارتش ترک بود؛ نیروهای خان‌های ازبکی و بخارایی تقریباً سرتاسر خراسان را در تصرف داشتند. راه ولگا-خزر و راه‌های کاروان رو و تجارتی بندرهای مدیترانه همه به وسیله ترک‌ها بسته شدند میزان بازرگانی خارجی و داخلی کاهش یافت؛ و در نتیجه سیاست مالیاتی شاه سابق اقتصاد ایران به ورطه سقوط سرازیر می‌شد (گراتوسکی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۵۹). تجارت همیشه به صلح و ثبات نیاز دارد؛ یعنی تاجران همواره ترجیح می‌دهند که حکومت مرکزی با گرفتن مالیات از آنان و جلوگیری از ستاندن مالیات‌های مستبدانه، امنیت را برای آنان و دارایی‌شان فراهم بیاورد (گندگدو، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

^۱ - Boscasinian Cloth

تجارت در دوره سلطنت شاه عباس اول ۱۰۳۸-۹۵۵ ق/ ۱۶۲۹-۱۵۸۷ م به دلیل سیاست تجاری مشهورش که بهترین نمونه آن، ایجاد شبکه وسیعی از کاروانسراها، تضمین امنیت راه‌ها و مسیرهای تجاری بود، به اوج خود رسید (متی، ۱۳۸۷: ۱۰۶). تجارت داخلی و خارجی تشویق شد و تجار در فعالیتهای تجاری خود امنیت بیشتری داشتند (نوبدی، ۱۳۸۶: ۱۶۸). به واسطه همین حمایت‌ها، پای ملل اروپایی به ایران باز شده از هر ملتی یک عده برای تجارت یا کارهای صنعتی و... به ایران مسافرت کردند. یکی دیگر از اقدامات شاه عباس اول برای گسترش و تقویت تجارت جلوگیری از خروج طلا و نقدینگی از کشور بود. این کار تجار خارجی را مجبور می‌کرد به جای طلا و نقدینگی حاصل از فروش کالاهایشان در ایران، اجناس و امتعه ایرانی را که در سایر کشورها خریدار داشت، اکتیاع کرده و به کشورها خویش برای فروش ببرند (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۷). باستانی پاریزی معتقد است دوره شاه‌عباس بزرگ، عصر طلایی و زمان شکفتگی اقتصادی صفوی است (باستانی‌پاریزی، ۱۳۶۲: ۱۷۳). اما از شاه‌عباس دوم به بعد به خاطر بی‌لیاقتی شاهان صفوی و عدم توجه آنان به عمران و آبادی و گسترش ناامنی، تجارت رونق اولیه خود را از دست داد و به خاطر جنگ‌های متوالی بین خاندان صفوی و سران قزلباش و دست‌اندازی کشورهای بیگانه، تجارت در ایران رو به زوال و نابودی گذاشت (صفاکیش، ۱۳۹۰: ۲۳۷).

به طور کلی اقتصاد عصر صفوی را نمی‌توان به عنوان اقتصادی با جهت‌گیری مسلط تجاری توصیف کرد، محصولات اصولاً برای مصرف مستقیم تولیدکنندگان و طبقات حاکم تولید می‌شد. اما تجارت وجود داشت و تجار حرفه‌ای فعالیت می‌کردند (نوبدی، ۱۳۸۶: ۱۶۴). مهم‌ترین کالایی که در ایران عصر صفویه تولید می‌شد پارچه بود. پارچه‌های این عصر از انواع و اقسام مواد اولیه گوناگون و با شیوه‌های متنوع تهیه می‌شد. چنین پیدا است که تاجران، پیشه‌وران شهری و روستایی و خود شاه در تولید و فروش بسیاری از فرآورده‌های پارچه‌ای، سهمی داشته‌اند. پیشه‌وران صنعتگران نیازهای متنوع جامعه را به خوبی تأمین می‌کردند و پاره‌ای از فرآورده‌های آنها مانند قالی، فرآورده‌های پارچه‌ای و... در سطح بین‌المللی می‌درخشید (فوران، ۱۳۹۶: ۶۳). تاورنیه در خصوص تجارت ایران عصر صفوی می‌نویسد: «تجارت ایران، مثل همه ممالک دنیا عبارت از تجارت داخلی و تجارت خارجی می‌باشد اما فرق در این است که تجارت ایران تقسیم شده است، تجارت داخلی در دست ایرانیان و یهودیان است، اما تجارت خارجی به کلی در تصرف ارامنه است، که عامل پادشاه و بزرگان مملکت و به معاملات ابریشم مشغول هستند» (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۵۹۶).

الف- تجارت داخلی

بازرگانی داخلی، بخشی از تجارت ایران بود که جابجایی کالا میان شهرها و روستاها را شامل می‌شد و بیشتر بازرگانان ایرانی در این زمینه فعالیت داشتند؛ تجارت داخلی در دوره صفویه هم‌پای تجارت خارجی آن پیش می‌رفت، چون که شاه‌عباس اول با اقدامات چشم‌گیر خود در زمینه بهبود اوضاع داخلی و با تشویق تجار خارجی به منظور قطع وابستگی‌شان از بازارها و خریداران کهن و انحصاری و با بهره‌گیری از خدمات تجار ارمنی در گسترش بازارهای جدید



و تولیدات و توسعه دامنه راه‌های موجود، تجارت ماورای تجار ایران را جانی تازه بخشید، تجارت بین هند و ایران و دریای مدیترانه در پی گشایش راه خلیج فارس به روی همه کشتی‌ها صورت گرفت، و از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود. این امر، علاوه بر افزایش حجم و ارزش محموله‌های کشتیرانی کمپانی‌های هلندی و انگلیسی، کشتیرانی بومی و محلی را نیز به تکاپو واداشت. این‌ها همه در پی دستاوردهای سیاسی و اقتصادی شاه‌عباس بود که روحی تازه به ایران بخشید (رانلد فریر، پژوهشی از دانشگاه کمبریج، ۱۳۹۳: ۲۴۷). در نتیجه توجه خاصی که شاه‌عباس به آباد کردن و ساختن شهرها، راه‌ها، ایجاد پل‌ها و کاروانسراها بر سر راه‌های اصلی و امنیت آن‌ها داشت، زیرساختی پدید آمد که برای بالندگی تجارت بسیار ضروری بود، و سبب شد که تجارت داخلی و خارجی رواج بیشتری پیدا کند (کریمی موغاری و خرمی مقدمی، ۱۳۹۴: ۱۵۹). بر اساس نوشته برخی از منابع، حجم دادوستد در ایران عصر صفوی با نوسان همراه بوده و در بیشتر ایام نسبتاً کم بوده است. اقتصاد تقریباً غیرپولی، نقش بزرگ بخش کشاورزی، مشکلات حمل و نقل، سیاست اقتصادی شاهانه و عوامل دیگر از علل محدود بودن تجارت به حساب می‌آمدند، اما با همه این‌ها بازرگانان نقش مهمی در اقتصاد کشور داشتند (فوران، ۱۳۹۶: ۶۴). می‌توان گفت که حکومت هم از دور راه تجارت داخلی را کنترل می‌کرد: یکی نظارت بر نوع تجارت و کیفیت ورود و خروج کالا به شهرها؛ دیگری نظارت بر بهای قیمت کالاها و موارد مورد احتیاج، قیمت‌ها اولین روز هفته به وسیله عمال حکومت اعلام می‌شود (صفاکیش، ۱۳۹۰: ۲۳۹) و متخلفین را کلاهی بلند مانند کندوی عسل به سرشان گذاشته، زنگوله‌ای به گردنشان می‌آویزند و در شهر می‌گردانند و به کف پاهایشان شلاق می‌زنند و مبلغی هم جریمه از آن‌ها دریافت می‌کنند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۶۱۲).

ب- تجارت خارجی

از دوران کهن، تجارت با مناطق دوردست جزء جدایی ناپذیر زندگی مردم فلات ایران بوده است. ایران با قرار گرفتن در میانه راه سواحل دریای مدیترانه و امپراطوری‌های شبه قاره هند و آسیای مرکزی همواره به عنوان مسیر تجارت و مکان مبادله حجم عظیمی از کالاهایی بوده است که از طریق راه‌های تجاری که واحه‌های داخلی آسیا و مراکز تجاری هند را به بنادر لوانت^۱ و خلیج فارس متصل می‌ساخت، جابجا می‌شد. هیچ دوره‌ای در تاریخ کشور در ارائه یک چهره شکوفای تجاری، با دوره صفوی به ویژه سده هفدهم میلادی/ یازدهم قمری برابری نمی‌کند (متی، اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی، ۱۳۸۷: ۱۰۶). به گفته رافائل دومان، ایران چون کاروانسرای بزرگی است با دو در، یکی سمت عثمانی که از آن پول از غرب وارد می‌شود و دیگری در خروجی بندرعباس یا گمبرون در خلیج فارس است (عظمی قریب، ۱۳۷۷: ۶۹).

انتقال کالا از طریق راه‌هایی انجام می‌گرفت که گاه پر رونق و زمانی به فراموشی سپرده می‌شد. اما آنچه از پیشینه تاریخ تجارت ایران مورد توجه قرار می‌گیرد، امکانی است که موقعیت جغرافیایی ایران برای ترانزیت کالا فراهم می‌کرد این

۱. نامی برای نواحی همسایه مدیترانه شرقی

جنبه اهمیت بعد اقتصادی را باز می‌نماید (تاج‌بخش، ۱۳۸۱: ۶۴۱). از طرف دیگر موقعیت جغرافیایی و همجواری ایران با عثمانی، هند و روسیه به اهمیت سیاسی آن می‌افزود و به تدریج جنبه‌های اقتصادی، تجاری ایران نیز به نوبه خود مورد توجه قدرت‌های بزرگ قرار می‌گرفت (صفاکیش، ۱۳۹۰: ۲۳۴). سیاست اقتصادی شاه عباس اول این بود که مرکز بازرگانی بین‌المللی ابریشم که در سده ۱۶ م شهر ارمنی نشین جلفا بود به داخل ایران منتقل شود و راه کاروان‌رو بازرگانی ابریشم از طریق اصفهان و خلیج فارس رونق گیرد به همین خاطر آنان را به کوچیدن به اصفهان و ساکن شدن در آنجا مجبور کرد. شاه در حومه اصفهان محله‌ای به نام جلفا ساخت و به آن‌ها خودمختاری داده شد بازرگانان ارمنی جلفای نو، کارگزاران شاه در صدور ابریشم و معامله با خارج بودند در آن زمان ابریشم خام و پارچه‌های ابریشمی از کالاهای مهم صادراتی ایران به شمار می‌آمد (گراتوسکی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶۳).

تجارت خارجی به کلی در دست ارامنه قرار داشت که عامل پادشاه و بزرگان مملکتی بوده‌اند؛ در این دوره دستگاه حکومتی، خود از بازرگانان عمده بود و خود شخص شاه در تجارت نقش مهمی داشت (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۵۹۶). شاه عباس با علم به اهمیت تجارت در حیات اقتصادی و سیاسی کشور در صدد افزایش سطح روابط تجاری با دیگر کشورها بر آمد اقدامات متعددی در این زمینه به انجام رساند از جمله ارسال سفرایی به کشورهای مهم آسیایی و اروپایی جهت توسعه روابط تجاری، برقرار کردن تسهیلاتی چون اعطای معافیت‌های مالیاتی و آزاد گذاشتن اروپاییان در انجام مراسم مذهبی در کار خود موفق شد؛ و کشورهای متعددی به تجارت با ایران روی آوردند از جمله مهم‌ترین این کشورها می‌توان به انگلستان و هلند (کمپانی هند شرقی انگلیس و هلند) عثمانی، هندوستان، روسیه، شهرهای ایتالیا و فرانسه اشاره کرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۷: ۸۷؛ نوایی، ۱۳۸۷: ۱۴۷). به طور کلی تجارت بین‌الملل در این زمان به شدت رونق گرفت و کمپانی‌های هند شرقی هلند و انگلیس برای تجارت با ایران به رقابت با یکدیگر می‌پرداختند، در ایران نیز تاجران ارمنی با امتیازهایی که از شاه عباس دریافت کرده بودند، به تجارت دوردست مشغول بودند. سیاحان و تاریخ‌نگاران آن زمان از رونق و پیشرفت اقتصادی و تجاری ایران گزارش‌های زیادی نوشته‌اند (کریمی موغاری و خرمی مقدمی، ۱۳۹۴: ۱۶۴).

بیشتر بازرگانان بزرگ ایرانی برای تجارت نمایندگانی را به کشورهای دیگر می‌فرستادند. آن‌ها علاوه بر ابریشم خام، پارچه‌های ابریشمی، چرم، تیماج،^۱ ساغری،^۲ پشم شتر و گوسفند از ایران به کشورهای دیگر صادر می‌کردند (گراتوسکی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۷۴). شاه‌عباس اول زمام خرید و فروش کالاهای ساخته شده خارجی و داخلی را در دست گرفت هیچ فرد دیگری جز عامل (وزیر) او حق نداشت که با بازرگانان عمده خارجی به تجارت پردازد کالاهای وارداتی ابتدا باید به شاه عرضه می‌شد دیگر تجار تنها پس از اینکه شاه کالاها را دیده و نپسندیده بود اجازه داشتند تا آن‌ها را خریداری کنند همچنین گفته می‌شود که تجارت داخلی نیز به میزان بالایی در انحصار شاه بود به گفته

۱. پوست دباغی شده بز یا گوساله

۲. پوست دباغی شده اسب یا الاغ



دلاواله هیچ محصول سودآوری نبود که شاه آن را در انحصار خود نگرفته باشد (نویدی، ۱۳۸۶: ۱۶۸). در زمان شاه عباس فرش به عنوان یکی از بزرگ‌ترین کالاهای تجاری شناخته شد و تولیدات فرش تنها محدود به استفاده دربار نبود، بلکه این کالای هنری برای فروش به اروپا و هندوستان صادر می‌شد و سود سرشاری را نصیب خزانه شاهی می‌کرد (حشمتی‌رضوی، ۱۳۸۹: ۱۸۵).

در مجموع، اقتصاد ایران در دوره شاه عباس اول متکی به خود بود و بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات آن با یکدیگر هماهنگ و منطبق با نیازهای جامعه بودند. تجارت خارجی براساس صادرات قالی، ابریشم، بافته‌های ابریشمی و صنایع پیشه‌وری، و واردات پارچه‌های پشمی، نخی و ... بود. تجارت خارجی از چنان بنیانی برخوردار بود که موجب شکوفایی صنایع داخلی و کسب مازاد تجاری می‌گردید (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۲۶). کالاهایی که به بازار جهانی صادر می‌شد، عمدتاً کالاهای لوکس و تجملی و محصولات زراعی بود، اولین محصول صادراتی ابریشم و بعد از آن فرش، پشم و ... بود. مهم‌ترین کالاهای وارداتی محصولات لوکس و تزئینی برای مصرف طبقات بالایی جامعه، منسوجات پشمی از انگلستان و مقداری اقلام دیگر که تماماً مصرف مستقیم داشته است (کریمی موعاری و خرمی مقدمی، ۱۳۹۴: ۱۶۴). تجارت و سوداگری نقش مهمی در اقتصاد ایران داشت و تجارت کاروانی آشکارترین نماد آن بود. اما حجم تجارت راه دور به عنوان بخشی از کل بازار و داد و ستدها، بسیار کوچک‌تر از آنی بود که تجارت کاروانی چشم‌گیر، ظاهراً نشان می‌داد. تجارت راه دور عمدتاً به اقلامی نظیر: ابریشم، کالاهای تجملی، خز، پشم و منسوجات محدود می‌شد، که نسبت حجم به وزن بالایی داشتند (متی، زوال صفویه و سقوط اصفهان، ۱۳۹۴: ۵۸-۵۷). در زمان شاه عباس دوم ۱۶۴۲-۱۶۶۶ م اقتصاد ایران به پیشرفت چشم‌گیری نائل آمد. روابط تجاری ایران و روس هم استوارتر شد، و در شماخی یک کاروانسرای شاهی برای بازرگانان روسی ایجاد گردید، در این محل کالاهایی از قبیل چرم، پوست حیواناتی مانند، قاقم^۱، سمور و ... مورد داد و ستد قرار می‌گرفت (گرانوسکی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶۶). تجارت خارجی ایران، در خلال بی‌نظمی‌هایی که در اواخر صفوی رخ داد و هرج و مرج‌هایی که به سقوط آن‌ها انجامید، به نوعی ایستایی و رکود دچار آمد.

تجارت پارچه در عهد صفوی

مینورسکی اشاره می‌کند که «سلاطین صفویه بزرگ‌ترین سرمایه‌داران کشور به شمار می‌آمدند و جنس و کالا در کارگاه‌های سلطنتی (بیوتات خاص شریفه) انبار می‌کردند و به جلب بازرگانان اروپایی و معاشرت با آنان می‌پرداختند و از اتباع ارمنی خویش چون راهنما و نماینده فروش کالای عمده صادراتی خود یعنی ابریشم استفاده می‌بردند» (مینورسکی، ۱۳۳۴: ۲۰). شاردن می‌نویسد: «شاه عباس دوم ابریشم، منسوجات زربفت، سیم بافت و دیگر پارچه‌های نفیس، قالی، فرش و جواهر می‌فروشد و از این کالاها برای فروش به ممالک همسایه صادر می‌کند» (شاردن،

۱. حیوان کوچکی نظیر سمور

۱۳۳۵: ۴ / ۳۶۴). محصول ابریشم گیلان بسیار مرغوب بود و دو نوع آن به اروپا صادر می‌گشت؛ اول ابریشم شعربافی^۱ که از نظر مرغوبیت عالی و طبق گفته شاردن، ابریشم زربفت نام داشت و لجی^۲ نیز نامیده می‌شد. دوم ابریشم اردست^۳ بود که شاردن آن را زمخت و خشن و زشت و زبر توصیف می‌کند و در شروان به عمل می‌آمد. انواع دیگر آن از کیفیت پایینی برخوردار بود و کدخداسند (خرواری و قناری) نامیده می‌شد (تاریخ ایران دوره صفویان کمبریج، ۱۳۹۳: ۲۶۸). از دیدگاه ایرانیان، ابریشم خام کالای کلیدی صادراتی بود. بعد از آن با فاصله زیادی به ترتیب پارچه‌های حریر، قالی و پشم قرار می‌گرفتند. اما از دید جهانی، ابریشم تنها کالایی بود که با الگوی تجارت بین‌المللی هم‌خوانی داشت (فوران، ۱۳۹۶: ۶۹). پارچه‌های ابریشمین عصر صفوی به سه صورت؛ حریر ساده، ابریشم زربفت و مخمل ابریشمی راهی بازارهای داخلی و خارجی می‌شد. مصارف این پارچه‌ها گذشته از البسه درباریان در پرده و لباس‌های خلعتی اهدایی به نمایندگان و یا سران کشورهای دیگر بود (میر احمدی، ۱۳۷۱: ۲۴۱). منسوجات و قالی نیز از اهم تولیدات صنعتی ایران برشمرده می‌شد. فرش‌هایی که در دوره صفوی بافته شده‌اند، از قابلیت هنری زیادی برخوردار بودند که تحسین بیگانگان را بر می‌انگیختند. صادرات فرش با سبک پولونزی به اروپا رونق داشت (نیومن. جی، ۱۳۹۳: ۲۹۵). پشم شتر از ایران صادر می‌شود ایرانیان آن را تفتیک گویند و اروپایی‌ها کرک چوب شلاقی می‌خوانند در اروپا برای ساختن کلاه‌های لبه‌دار از آن استفاده می‌کنند بهترین کرک شتر از کرمان و قزوین می‌آید (شاردن، ۱۳۳۵: ۴ / ۳۷۰).

صادرات و واردات

انسان از زمانی که به صورت جمعی زندگی را آغاز کرد به نیازمندی‌های متنوع خود پی برد. هر چه جوامع کامل‌تر و گسترده‌تر می‌شد به همان نسبت نیازها از تنوع بیشتری برخوردار می‌گشت، به نحوی که امکان تأمین کلیه نیازها و ضرورت‌ها از عهده‌ی یک جامعه یا کشور بر نمی‌آمد، زیرا موقعیت‌های خاص جغرافیایی، صنایع زیرزمینی، معادن، فرهنگ، سنن، صنایع دستی، اعتقادات مذهبی، فرهنگی و... هر ملتی، توان خاصی را برای آن کشور در تهیه و تدارک کالاهای ویژه ایجاد می‌کرد. اما هیچ کشوری به لحاظ موقعیت‌های خاص ذکر شده امکان تهیه کلیه نیازمندی‌های مردم خود را ندارد و نیازمند مبادله با دیگر دولت‌ها یا جوامع بشری است و مراوده‌ی تجاری برای تأمین نیازهای متفاوت یک ضرورت و اصل می‌باشد.

صادرات منسوجات

دولت صفویه علاوه بر تجارت ابریشم به صادرات منسوجات اعم از، پارچه‌های نفیس ابریشمی، پنبه‌ای، کتان، پارچه‌های زربفت و نقره‌بفت، منسوجات مخملی، ابریشم موج‌دار دانه‌ریز، اطلس، نخ ابریشم، دستار قزلباش، شال

^۱ - shrbassee

^۲ - legee

^۳ - ardasset



کمر، دستمال و پارچه‌های ابریشمی مخلوط با نخ و پشم شتر و بز، ساتن، حریر، تافته، دیبا، پرنیان، مخمل، پارچه‌های نخی، پشم بز، میش و شتر (کرک)، فرش‌های زربفت، قالی پشمی کرمان، قالیچه، پنبه، نیز می‌پرداخت. پوست حیوانات، چرم دباغی شده، چرم دباغی نشده، ساغری و تیماج نیز از صادرات صفویان بود (شاردن، ۱۳۳۵: ۴/ ۳۸۰-۳۷۰؛ تاورنیه، ۱۳۳۶: ۶۰۱؛ کاتف، ۲۵۳۶: ۱۲)

واردات منسوجات

پارچه‌های انگلیسی و هندی، ماهوت^۱، پارچه‌های مخملی و انواع دیگر منسوجات، پارچه‌های ظریف و نازک، ساتن، زری، متقال، شال، دستاری قرمز، فاستونی، پارچه‌های زبر و خشن، منسوجات پنبه‌ای، بسته‌های طناب، پنبه بهداشتی، کمربند، چیت، کتان، پارچه‌های کتانی، کنف، چرم خام، پوستین، پوست حیوانات، پوست گران‌بهای قاقم، روباه سیاه، سمور، سنجاب و خز نیز از واردات ایران به شمار می‌رفت (کاتف، ۲۵۳۶: ۶۵؛ تاریخ ایران دوره صفویان کمبریج، ۱۳۹۳: ۲۴۰؛ متی، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

روابط تجاری ایران و عثمانی

روابط صفویان با ترکان عثمانی همواره در نوسان بوده و فراز و نشیب فراوان به خود دیده است. معاهده ذهاب که بین دولت صفوی و عثمانی انعقاد یافت، رویداد مهمی بود که به شکل‌گیری تحولاتی در تاریخ روابط دو کشور منجر شد. پس از این معاهده، نزدیک به یک قرن، روابط دو کشور، بسیار ملایم و دوستانه بود.

امپراتوری عثمانی، دروازه ایران به اروپا نیز محسوب می‌شد. گرایش طبیعی به داد و ستد گسترده با عثمانی و از طریق آن با اروپا، تحت‌الشعاع دوره‌های جنگ و صلح در کشور اسلامی قرار می‌گرفت در مجموع، حجم کالایی که ایران از طریق عثمانی به بندرهای مدیترانه و بازارهای اروپا می‌فرستاد بیش از مقدار کالایی بود که در تجارت بین این دو کشور مورد مبادله قرار می‌گرفت (فوران، ۱۳۹۶: ۷۲). عثمانیان تجارت را با هند، ایران و اروپاییان آگاهانه تقویت و از آن پشتیبانی می‌کردند و به دلیل وجود این اوضاع، کوشش‌های تجاری گسترده‌ای در ناحیه‌های گوناگون عثمانی دیده می‌شد (گندگو، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

صادرات ایران به عثمانی

بازارهای تجاری مهمی در شهرهای مختلف امپراطوری عثمانی وجود داشت. شهر بورسا یکی از مهم‌ترین مراکز تجاری به شمار می‌رفت؛ در آغاز سده ۱۰ ق/ ۱۶ م هر سال تعداد زیادی کاروان ابریشم از ایران به بورسا می‌رسید. خواجه پتیک که رئیس گمرک سوریه و نماینده تجاری هلند در حلب نیز محسوب می‌شد؛ توسط نمایندگان خود کالا‌های ایران و هندوستان، مانند ابریشم خام، منسوجات ابریشمی و... را به حلب وارد می‌کرد. جورج سانندیس سیاح

۱. نوعی پارچه پشمینه کلفت پرزدار نفیس، که از آن لباس، پرده و... می‌دوزند.



انگلیسی که در سال ۱۶۱۰ م از قسطنطنیه دیدن کرده، گواهی می‌دهد که بازرگانان انگلیسی در این شهر می‌توانند قالی ایرانی، بافتی‌های تهیه شده از پشم بز، دیبا، ابریشم خام و... را تهیه کنند که از طریق جاده زمینی و توسط بازرگانان ارمنی از ایران به اینجا آورده می‌شوند. شهر ارض‌روم (کارین) در عثمانی یکی دیگر از مراکز عمده تجارت ترانزیت و حلقه‌ای برای اتصال جاده‌های خاور نزدیک و ایران بود و کالاهایی مثل ابریشم ایران، پنبه و ماهوت در آنجا معامله می‌شد که عمدتاً از قلمرو ارمنستان گذرانده می‌شدند (بایوردیان، ۱۳۷۵: ۶۵-۶۱). در دوره صفوی صادرات ایران به عثمانی گذشته از ابریشم، پارچه‌های ابریشمی و پشمی، محصولات چرمی، تیماج و... بودند (گرانوسکی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۷۴؛ امیری، ۱۳۸۰: ۱۱۷-۱۴۸). تاورنیه می‌نویسد: «ایرانیان به صدور انواع پارچه نیز اشتغال داشتند، از جمله مقدار زیادی پارچه منقش درست می‌کنند، اما چون خیلی خشن و پست است به مصرف فقرا می‌رسد و قسمت عمده آن در داخل مملکت به مصرف می‌رسد و مقدار کمی به خاک عثمانی صادر می‌شد» (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۶۰۳).

تجارت ابریشم بین ایران و عثمانی عامل عمده‌ای در امور اقتصادی هر دو مملکت بود و صنعت ابریشم‌کاری عثمانی وابستگی تام به ابریشم ایران داشت و به همین خاطر ابریشم زیادی به عثمانی صادر می‌شد. همچنین پنبه مرغوب در ایران، به‌ویژه در خراسان زیاد تولید می‌شد و قسمتی از آن به حلب صادر می‌گشت (تاریخ ایران دوره صفویان کمبریج، ۱۳۹۳: ۲۶۲ و ۲۲۶). صادرات ایران به امپراتوری عثمانی از طریق بابل و نینوا (بین‌النهرین) منسوجات کلفت پشم بز، حصیر و... می‌باشد (شاردن، ۱۳۳۵: ۴/۳۷۱). ابریشم ایران با اهمیت‌ترین کالایی بود که به امپراتوری عثمانی صادر می‌شد؛ بازرگانان ارمنی در از میر که از مراکز مهم بازرگانی عثمانی محسوب می‌شد، ابریشم ایران را به اروپائیان، ترجیحاً به فرانسویان، می‌فروختند (زینلی و مبین، ۱۳۹۸: ۷۷؛ سلطانیان، ۱۳۹۰: ۱۰۱-۷۹). قالی‌بافی ایران در دوره صفوی در سطح هنری بسیار بالایی قرار داشت، این قالی‌ها از راه عثمانی به بسیاری از کشورهای اروپایی صادر می‌شدند (گرانوسکی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۷۳).

واردات ایران از عثمانی

ارامنه و تجار دیگر در ازای ابریشم و سایر کالاهای ایرانی، مقدار زیادی پارچه از لوانت به ایران می‌آوردند در سال ۱۱۰۷ ق / ۱۶۹۶ م تقریباً ده هزار نیم قواره پارچه از امپراتوری عثمانی به ایران وارد شده است (متی، اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی، ۱۳۸۷: ۱۱۲). در بازار کاشان نیز دیبای هفت رنگ و پارچه‌های مختلفی وجود داشت که از امپراتوری عثمانی، کشورهای اروپایی و مصر وارد می‌شد (امیری، ۱۳۸۰: ۱۱۷ تا ۱۴۸).

صادرات و واردات منسوجات ایران و عثمانی	
واردات از ایران	واردات به ایران



پارچه‌های مختلف، دیبای هفت رنگ	ابریشم، منسوجات ابریشمی، پارچه‌های ابریشمی ساده، پارچه‌های منقش، دیبا، قالی، پنبه، بافتنی‌های تهیه شده از پشم بز، منسوجات کلفت پشم بز، پارچه‌های پشمی، محصولات چرمی، تیماج، حصیر
--------------------------------	--

روابط تجاری ایران و هند

روابط بازرگانی ایران و هند در دوره صفوی را باید، در سیاست‌های شاهان صفوی برای توسعه تجارت، آرمان‌های سیاسی و نظامی شاه عباس اول، سیاست انحصار ابریشم، ستیز و رقابت‌های مداوم اقتصادی ایران و عثمانی، نیاز دو سویه ایران و هند به کالاها و محصولات یکدیگر، ورود کمپانی‌های اروپایی به صحنه تجارت خلیج فارس، نقش مهم ایران در ترانزیت کالاهای هندی به اروپا، بحران‌های پولی و عدم موازنه تجاری ایران با هند، جستجو کرد، از این رو روابط تجاری ایران و هند در این دوره از طریق دریا و خشکی، گسترش یافت؛ در گسترش مبادلات بازرگانی بین دو کشور، اقوام و عناصری با خاستگاه‌های اجتماعی، قومی، ملی و مذهبی متفاوتی نقش داشته‌اند.

صادرات ایران به هند

بی‌گمان ارمینان ایرانی را باید از پیشگامان تجارت بین دو کشور ایران و هند دانست. شواهد نشان می‌دهند که پیشگامی آنان در این زمینه، به آغاز قرن شانزدهم میلادی باز می‌گردد (زینلی و مبین، ۱۳۹۸: ۷۸). در این زمان سالی حداقل سه هزار بار شتر کالا بین ایران و هند جا به جا می‌شد و تجارت خشکی تأثیر زیادی بر بازارهای ایران داشت؛ مهم‌ترین صادرات ایران به هند ابریشم و کالاهای ابریشمی، پنبه‌ای و پشمی بود؛ یکی از بهترین نوع ابریشم تولیدی ایران معروف به میلانی بود که در خراسان تولید می‌شد و بیشتر آن به هندوستان صادر می‌شد، گذشته از ابریشم خام، مشتقات آن مانند انواع پارچه‌های زربفت، شال، البسه، قالی، دیبا و پرینان و... نیز صادر می‌شدند (سلطانیان و مرادی، ۱۳۹۱: ۸۷ تا ۱۰۲؛ سلطانیان، ۱۳۹۰: ۷۹-۱۰۱). مال‌التجاره‌هایی که از ایران به هندوستان فرستاده می‌شد قالی، قالیچه، پارچه-های زری، پوست گاو و بز بوده است (تاج‌بخش، ۱۳۷۸: ۲ / ۳۵۵). صفویان در دهه ۱۶۲۰ م حریر، فرش و مصنوعات چرمی به هند صادر می‌نمود (فوران، ۱۳۹۶: ۷۱). صادرات ایران به هند، انواع کالاهای پنبه‌ای، پشمی، ابریشمی، انواع چرم و پوست دباغی شده بود (نوروزی و رمضان، ۱۳۹۴: ۱۶۰).

ابریشم، قالی پشمی کرمان، پارچه‌های ابریشمی، پنبه‌ای، کتان، حریر، پوست خام بز، گاو، گوسفند و چرم دباغی شده به هندوستان صادر می‌شد (شعبان، ۱۳۹۱: ۱۱۰). ساغری و تیماج ایران منبع تجارت هلندی‌هاست که قسمتی به هندوستان و قسمتی از آن به ژاپن لهستان و مسکو حمل می‌شد (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۶۰۱). کاروان‌های تجاری عرب، هندی و یهودی در مقابل اقلامی که به ایران وارد می‌کردند، کالاهایی مانند قالی، ابریشم خراسان و پوست حیوانات را

از راه قندهار به هند صادر می‌کردند؛ همچنین هندیان، پنبه، ساتن زرباف و سیم‌باف ایران، پارچه‌های ابریشمی و پنبه رومیزی ایرانی را که کلیچه نامیده می‌شود، را خریداری می‌کردند (ثواقب، ۱۳۸۵: ۴۲؛ رضویان، ۱۳۸۳: ۱۰). کروسینسکی می‌گوید پارچه‌ها و قالی‌های ابریشمین زربفت و سیم‌بفت با کشتی همراه سوداگران دولتی برای فروش به اروپا و از آن هم بیشتر به هندوستان فرستاده می‌شود (حشمتی‌رضوی، ۱۳۸۹: ۱۸۶).

واردات ایران از هند

روابط ایران با هندوستان در دهه ۱۶۲۰ م از نظر تجاری و سیاسی بسیار گسترده بود. ایران پارچه‌های نخی و ... از هند وارد می‌کرد (فوران، ۱۳۹۶: ۷۱). محموله کشتی فان هادسن هلندی در سال ۱۶۲۳ م / ۱۰۲۳ ق شامل منسوجات، پارچه‌های کتان و دیگر اجناس هند بود که در بندرعباس تخلیه کرد (احمدی و زارعیان جهرمی، ۱۳۹۰: ۵۵ تا ۸۸). پارچه‌های رسیده از هندوستان، در بندرعباس به دو قسمت می‌گردید، قسمتی به داخله ایران و قسمت دیگر به وسیله تجار یونانی، ترک و ارمنی به عثمانی و اروپا حمل می‌شد (تاج‌بخش، ۱۳۷۸: ۲/۳۵۵). در اواسط قرن هفدهم میلادی نیز از ایران گزارش شده که اخیراً از راه قندهار نزدیک به هزار بار پارچه و نیل به اصفهان رسیده که باعث سقوط پانزده درصدی نرخ اجناس مذکور شده است باید به این امتعه تجارت دریایی همین سال را نیز افزود که گزارش شده امسال مقدار زیادی جنس از هند وارد گمبرون شده است (تاریخ ایران دوره صفویان کمبریج، ۱۳۹۳: ۲۶۵). گفته شده در سال ۱۶۶۵ م نیز هزار بار شتر پارچه و پر طاووس به اصفهان وارد شد (نوروزی و رمضان، ۱۳۹۴: ۱۵۸). از هندوستان پارچه‌های ظریف پنبه‌ای و ابریشمی هندی به ایران وارد می‌شد؛ در بسیاری از شهرهای تابع دولت صفویه حتی در نقاط دوردست مانند شماخی، شروان و باکو محله‌ها یا شهرک‌های هندی نشین وجود داشتند، و بزرگ‌ترین امور بازرگانی را هندیان در دست داشتند و پارچه‌های ابریشمی، پنبه‌ای، پارچه‌های زربفت، سیم‌بفت و پيله ابریشم می‌فروختند (گراتوسکی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۷۵؛ امیری، ۱۳۸۰: ۱۱۷-۱۴۸).

به گواهی جان فرایر در دهه ۱۶۷۰ م در بندرعباس بزرگ‌ترین رقم داد و ستد پارچه هندی است و این تجارت در دست هلندی‌ها است و به یاری آن، مخمل، ابریشم خام، پارچه ابریشمی و قالی‌های گران‌بها صادر می‌کنند، بدین ترتیب هلندی‌ها، پارچه هندی و ... را در ایران می‌فروختند و میزان محدودی ابریشم خریداری می‌کردند، حدس زده می‌شود یک سوم کل تولید پارچه هندوستان به ایران وارد می‌شد، و از آنجا به عربستان، حوزه مدیترانه، ترکیه، روسیه و آسیای مرکزی صادر می‌شد (فوران، ۱۳۹۶: ۱۰۸ و ۱۱۱؛ تاریخ ایران دوره صفویان کمبریج، ۱۳۹۳: ۲۷۳). بنا به گزارش رافائل دومان، در صدر کالاهای وارداتی از هندوستان، انواع پارچه‌های کتان قرار داشت، بخشی از این پارچه‌ها به مصرف داخلی می‌رسید و بخشی دیگر، همراه با دیگر کالاها، دوباره در چرخه بازرگانی خارجی ایران قرار می‌گرفت و به کشورهای همسایه و دیگر ممالک صادر می‌گردید (سلطانیان و مرادی، ۱۳۹۱: ۸۷ تا ۱۰۲). شاه عباس برای اینکه واردات زیاد منسوجات هندی را کاهش دهد با پوشیدن لباس‌هایی از کتان محلی و ترغیب کاشت و استفاده از پنبه ایران اقدام کرد با این کار خود را سرمشقی برای دیگران قرار داد (بلو، ۲۵۹). اجناس و کالاهای وارد شده از هند تنوع زیادی



داشت، از جمله می‌توان به پارچه‌های سفید از انواع مختلف مثل ساناس،^۱ پارچه کتانی خطدار کابای،^۲ تک،^۳ پارچه-های مختلف ابریشمی مثل سامیت، شالباف و گاراس^۴ نام برد (تاج‌بخش، ۱۳۷۸: ۳۵۴/۲). اطلس زربفت، شال کشمیر، مندیل‌های زرکار و الجه نیز وارد ایران می‌شد (قائدان، ۱۳۹۱: ۷۱-۸۴). پارچه‌های هندی، پارچه‌های زبر و خشن، چلووار سفید، بسته‌های طناب، پنبه بهداشتی و کمر بند از کالاهایی بود که از هند به ایران وارد می‌شد (تاریخ ایران دوره صفویان کمبریج، ۱۳۹۳: ۲۴۰). کاتف در سفرنامه‌اش اشاره می‌کند که متقال از هندوستان و عربستان وارد اصفهان می‌شود (کاتف، ۲۵۳۶: ۶۵). کاروان‌های تجاری عرب، هندی و یهودی کالاهای ارزشمند و گران‌بهای هندی مانند پارچه‌های ظریف هندی، را به قندهار می‌آوردند و به ایران وارد می‌کردند (رضویان، ۱۳۸۳: ۱۰). بازرگانان از هند محصولات مشابهی مانند منسوجات پنبه‌ای و... با خود می‌آوردند، بخشی از آن را در ایران معامله می‌کنند و با بهای آن انواع ابریشم و پارچه‌های زربفت که مطلوب و مرغوب اروپاییان است، خریده و به فرنگ می‌برند (شیبانی، ۱۳۸۴: ۲۳).

صادرات و واردات منسوجات ایران و هند	
واردات به ایران	صادرات از ایران
پارچه‌های هندی، پارچه‌های نخ، پارچه‌های کتانی، پارچه‌های ابریشمی، پنبه‌ای، پارچه‌های زربفت، سیم بفت، پارچه‌های ظریف پنبه‌ای و ابریشمی اطلس زربفت، لباس، شال کشمیر، پر طاووس، مندیل‌های زرکار، الجه، چلووار سفید، بسته‌های طناب، پنبه بهداشتی، کمر بند، متقال، پيله ابریشم	ابریشم، کالاهای ابریشمی، پنبه‌ای و پشمی، دیبا، پزنیان، حریر، کتان، ساتن زرباف و سیم باف، شال، البسه، پارچه‌های زربفت، قالی‌های ابریشمین زربفت و سیم‌بفت، قالی پشمی کرمان، قالیچه، پوست گوسفند، گاو و بز، انواع چرم، پوست دباغی شده، مصنوعات چرمی، ساغری، تیماج

روابط تجاری ایران و روسیه

مناسبات سیاسی و بازرگانی با همسایه شمالی ایران امری بود که همیشه مورد توجه شاهان صفوی قرار داشت؛ به طوری که در چندین نوبت هیأت تجار ایرانی برای تحکیم روابط به روسیه اعزام شدند و با عنوان سفیر دوستی دولت ایران به همراه هدایای بسیار به آن سوی آب‌ها رفتند. دولت روسیه نیز با اهداف سیاسی و تجاری باب روابط با دولت صفویه را گشود.

۱. پارچه‌های سفید کتانی که نه زیاد ضخیم و نه زیاد ظریف بود.

۲. قبا که برای لباس مردان مورد استفاده واقع می‌شود و در بنگال تهیه می‌شدند.

۳. پارچه کتانی سفید و ظریف.

۴. پارچه کتانی ضخیمی که در سورات بافته می‌شد.

صادرات ایران به روسیه

مهم‌ترین کالای صادراتی ایران به روسیه بیش از همه ابریشم خام، پشم، پنبه، حریر رنگ شده، چیت، قالی، قالیچه، چرم و انواع منسوجات ابریشمی بود؛ این اجناس شامل اطلس و مخمل‌های قزلباش، دارایی داروغه‌ای^۱ گیلانی و کاشانی، صوف^۲، زربفت، کمخای یزدی، کمخای قزلباشی، قطنی^۳ قزلباشی، آبیاری^۴ فته^۵ قزلباشی می‌شد (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۱-۶۰). فرآورده‌های ایرانی در روسیه خواستاران زیادی داشت و بیشتر از هر چیز ابریشم خالص و کالاهای تزئینی به روسیه می‌رفت در مسکو مهمان‌خانه مخصوص ایرانیان و دکان‌های ویژه‌ای وجود داشت. تجارت ابریشم به انحصار دولت بود؛ زیرا که از بهترین نوع محصولات به حساب می‌آمد و به اصطلاح کالای نقش‌دار نامیده می‌شد (کاتف، ۲۵۳۶: ۱۲).

هر سال مقدار گزافی پارچه زری و مخمل و تافته ایرانی به اروپا حمل می‌شد قسمت عمده مخمل ایران را به مسکو و لهستان می‌بردند. همچنین مقدار زیادی ابریشم نافته، ساغری و تیماج هم از ایران به خاک عثمانی و لهستان و مسکو حمل می‌شود که در آنجاها به مصرف قلاب‌دوزی می‌رسد (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۶۰۱). یکی از کالاهای مهم صادراتی ایران به روسیه ابریشم نوع منسوجات ابریشمی، منسوجات زربفت و سیم‌بافت، دیگر پارچه‌های نفیس، قالی و پوست گوسفند می‌باشد (شاردن، ۱۳۳۵: ۴/۳۶۴ و ۳۷۱). صادرات ایران به روسیه ابریشم خام، حریر، پارچه‌های نخ، چرم و محصولات چرمی بود (فوران، ۱۳۹۶: ۷۲؛ امیری، ۱۳۸۰: ۱۱۷ تا ۱۴۸).

روس‌ها طالب کالاهای تجملی ایران، مانند: ابریشم گیلان و شیروان، پنبه و پارچه‌های زربافت ابریشمی کرمان، پارچه‌های اصفهان نیز بودند. حکومت روسیه مایل بود که تمام ابریشم ساحلی خزر از راه این دریا به آن کشور ارسال شود، تا مشتریان اروپایی ناگزیر شوند از بازرگانان روسی خریداری نمایند (سلطانیان، ۱۳۹۰: ۷۹-۱۰۱). در زمان شاه طهماسب اول پارچه‌های ابریشمی و کتانی به روسیه صادر می‌شد (شورمیچ، ۱۳۹۴: ۱۳۰). در سده ۱۷ م میزان داد و ستد بازرگانی بین ایران و روس به شدت افزایش یافت صادرات ایران که از طریق ولگا-خزر فرستاده می‌شد، در درجه اول پارچه‌های گوناگون ابریشمی، پارچه‌های پنبه‌ای و... بودند (گرانوسکی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۷۴). بازرگانانی که در سال ۱۶۶۴ م از طرف تزار روسیه به دربار شاه‌عباس دوم آمدند، مرکب از دو سفیر و چهارصد نفر همراه بود، که بیشتر به تجارت ابریشم اشتغال داشتند همچنین پارچه‌های گوناگون، چرم، امتعه ایرانی و... می‌خریدند و به روسیه می‌فرستادند و بعضی از این امتعه به سیبری ارسال می‌شد (شاردن، ۱۳۳۵: ۹/۲۰۲؛ لاکهارت، ۱۳۴۴: ۶۶). قسمت مهمی از زربفت‌ها و پارچه‌های ابریشمی ایران از طریق روسیه به بازارهای بزرگ اروپایی فرستاده می‌شد (نوروزی و

۱. منسوج ابریشمی زردوزی یا نقره دوزی شده.

۲. منسوج ابریشمی.

۳. پارچه نیمه ابریشمی.

۴. منسوج ضخیم ابریشمی موجدار با خطوط طلایی و نقره‌ای.

۵. روسری ابریشمی.

رضانی، ۱۳۹۴: ۱۶۵). هر ساله مقدار زیادی ابریشم خام ایران به روسیه حمل می‌شد و به مصارف قلاب‌دوزی، پارچه‌بافی و... می‌رسید و در برابر آن ماهوت و مقادیر زیادی نقره دریافت می‌شد (تقوی، ۱۳۸۸: ۵۹). از مسیر ولگا نیز ابریشم خام، حریر، پارچه‌های نخی، چرم و... به روسیه صادر می‌شد (ثواب و لعبت فرد، ۱۳۹۶: ۲۹).

واردات ایران از روسیه

در دوره شاهان اولیه صفوی بازرگانان روسی هم به‌ویژه در شماخی، شروان و باکو به فعالیت تجاری داشتند و بیشتر به تجارت ابریشم مشغول بودند و گاه نیز متاع روسی مثل پارچه و... به ایران می‌آوردند. کانون اصلی تجارت پوست دام در سیبری قرار داشت. این کالای صادراتی به منظور تهیه دستکش، کلاه، چکمه و شال مورد استفاده قرار می‌گرفت و در داد و ستد با ایران، با ابریشم و پارچه و... مبادله می‌شد (ثواب و لعبت فرد، ۱۳۹۶: ۲۹).

صادرات عمده روس‌ها به ایران از طریق ولگا، دریای خزر، شماخی و گیلان پوست خز بود که در انحصار دولت روسیه قرار داشت. همچنین بازرگانان روسی، پوست حیوانات، سنجاب خاکستری، پوست گران‌بهای قاقم، روباه سیاه، سمور، گراز، چرم روسی، پوستین، کنف، کتان، چرم خام، چیت، ماهوت و پارچه‌های کتانی را وارد می‌کردند (کاتف، ۲۵۳۶: ۱۲؛ فوران، ۱۳۹۶: ۷۲). کالاهایی از روسیه به ایران وارد می‌گردید مانند ماهوت، انواع پوست‌ها، چیت‌ها، پارچه‌های کتانی و... که در درون کشور تولید نمی‌شدند (گراتوسکی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۷۴). بازرگانان روسی در شهر شروان کاروانسرا و انبار داشتند و کرک، پشم، چرم، پوست و... می‌فروختند، همچنین ایرانیان در آنجا پارچه‌های ابریشمی، پنبه‌ای، پارچه‌های زربفت، سیم بفت و پيله ابریشم می‌فروختند (امیری، ۱۳۸۰: ۱۱۷ تا ۱۴۸).

صادرات و واردات منسوجات ایران و روسیه	
واردات به ایران	صادرات از ایران
ماهوت، پارچه، کنف، کتان، چیت، پارچه‌های کتانی، چرم، پوستین، پوست حیوانات، پوست گران‌بهای قاقم، روباه سیاه، سمور، خز، سنجاب خاکستری	ابریشم، انواع منسوجات ابریشمی و کتانی، پارچه‌های پنبه‌ای و نخی، پنبه، پارچه زری، مخمل، تافته، حریر، چرم، ساغری، تیماج، پوست گوسفند

نتیجه‌گیری

عوامل داخلی و خارجی بسیاری، همانند عوامل سیاسی، نظامی، اقتصادی، مذهبی و... تأثیر بسیاری در مناسبات ایران و عثمانی داشته است. مردم این دو کشور نیز همواره روابط نزدیک و دوستانه‌ای با یکدیگر داشتند. حتی در ایام تنش‌های سیاسی و نظامی بین سران دو کشور، ارتباطات فرهنگی تنگاتنگی بین مردم این دو کشور برقرار بود و روابط تجاری و رفت و آمد بازرگانان نیز تداوم داشت. همچنین سیاست‌های شاهان صفوی برای توسعه تجارت در عصر

صفوی، موجب برجسته شدن نقش بازرگانان هندی در این دوره شد. از یک سو ایرانیان به کالاهای هندی نیاز فراوان داشتند و از سوی دیگر، هندیان، ایران را بازار مناسبی برای عرضه کالاهای خویش می‌دانستند. از این رو روابط تجاری ایران و هند از طریق دریا و خشکی، در این دوره، بسیار گسترش یافت. دولت روسیه نیز با اهداف سیاسی و تجاری باب روابط با صفویان را گشود. راه‌های شمالی امکانات فراوانی را برای آن کشور فراهم ساخت که رابطه خود را با ایران از طرف دریای خزر و سرزمین‌های شرق و غرب این دریا برقرار کند. به طور کلی روابط بازرگانی دو کشور از چند امتیاز مانند هم‌مرز بودن، کمی فاصله میان دو کشور، وجود دریای خزر و ... برخوردار بود. در این میان تجارت منسوجات بین صفویان و کشورهای همسایه از اهمیت زیادی برخوردار بود و رقم قابل توجهی را تشکیل می‌داد؛ ابریشم خام، پشم، پنبه، قالی، قالیچه، پارچه‌های ابریشمی، پنبه‌ای، کتانی، پارچه‌های زربفت، سیم‌بفت، پارچه‌های نخ، حریر رنگ شده، چیت، پيله ابریشم، منسوجات کلفت پشم بزی، چرم، ساغری، تیماج و ... رقم صادرات ایران را تشکیل می‌داد؛ در مقابل آن ماهوت، پارچه‌های کتانی، پارچه‌های نخ، پارچه‌های هندی، شال کشمیر، مندیل‌های زرکار، متقال، چیت، پوست حیوانات، چرم و ... وارد کشور می‌شد.

منابع

- آکا، اسماعیل (۱۳۹۰). *تیموریان*، ترجمه اکبر صبوری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اشپولر، برتولد (۱۳۸۶). *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۹.
- باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۲). *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، تهران: انتشارات صفیعلیشاه، چ ۳.
- بایوردیان، واهان (۱۳۷۵). *نقش آرامنه ایرانی در تجارت بین‌المللی تا پایان سده ۱۷ میلادی*، ترجمه ادیک باغداساریان (گرمانیک)، تهران: ناشر مؤلف.
- بلو، دیوید (۱۳۹۰). *شاه عباس*، ترجمه شهربانو صارمی، تهران: ققنوس.
- پژوهشی از دانشگاه کمبریج (۱۳۹۳). *تاریخ ایران دوره صفویان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی، چ ۶.
- تاجبخش، احمد (۱۳۸۱). *تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه*، شیراز: نوید.
- _____ (۱۳۷۸). *تاریخ صفویه*، ج ۲، شیراز: نوید.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۳۶). *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، تجدید نظر کلی و تصحیح حمید شیرانی، کتابخانه سنایی، چ ۲.
- حشمتی‌رضوی، فضل‌الله (۱۳۸۹). *تاریخ فرش سیر تحول و تطور فرش بافی ایران*، تهران: سمت.
- سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، (شش سفرنامه) (۱۳۸۱). ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- شاردن، ژان (۱۳۳۵). *سیاحتنامه شاردن*، مجلدات ج ۳-۴-۹، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- شعبان، سمیه (۱۳۹۱). «تجارت خارجی ایران عصر صفوی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ*، استاد راهنما مریم معزی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.



- شیبانی، ژن رز فرانسواز (۱۳۸۴). سفر اروپاییان به ایران، ترجمه سید ضیاءالدین دهشیری، تهران: علمی و فرهنگی.
- صفاکیش، حمیدرضا (۱۳۹۰). صفویان در گذرگاه تاریخ، تهران: نشر سخن.
- عظمی قریب، شکوه (۱۳۷۷). روزنه‌ای به تاریخ ایران در سده‌های گذشته، ترجمه ژان قریب، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- فروزانی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۳). سلجوقیان از آغاز تا فرجام، تهران: سمت.
- فوران، جان (۱۳۹۶). مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کاتف، فدت آفاناس یویچ (۲۵۳۶). سفرنامه کاتف، ترجمه محمداصادق همایونفرد، تهران: انتشارات کتابخانه ملی ایران.
- گراتوسکی، آ. آ. و همکاران (۱۳۸۹). تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورز، تهران: مروارید.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۴۴). انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- متی، رودلف (۱۳۹۴). زوال صفویه و سقوط اصفهان، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: نشر نامک.
- _____ (۱۳۸۷). اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی، ترجمه حسن زندیه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- میراحمدی، مریم (۱۳۷۱). تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر صفوی، تهران: امیرکبیر.
- میرجعفری، حسین (۱۳۷۵). تاریخ تیموریان و ترکمانان، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۴۴). سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انجمن کتاب.
- ناجی، محمدرضا (۱۳۸۶). فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان، تهران: امیرکبیر.
- نویسی، عبدالحسین (۱۳۸۷). روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، تهران: سمت.
- نویسی، عبدالحسین، غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۹۴). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران: سمت.
- نویدی، داریوش (۱۳۸۶). تغییرات اجتماعی-اقتصادی در ایران عصر صفوی، ترجمه هاشم آقاجری، تهران: نشر نی.
- نیومن، جی. آندرو (۱۳۹۳). ایران صفوی نوزایی امپراتوری ایران، ترجمه عیسی عبدی، تهران: نشر پارسه.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۷). تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران: امیرکبیر.

مطالعات

احمدی، سیروس (۱۳۹۵). «جایگاه صنعت در اقتصاد ایران از عصر صفوی تا کنون»، فصلنامه علمی-ترویجی راهبرد توسعه، ش ۴۸.

احمدی، نزهت و زارعیان جهرمی، زهرا (۱۳۹۰). «بررسی شیوه تجارت کمپانی‌های هند شرقی و تأثیر آن بر تجارت دریایی خلیج فارس در عصر صفویه»، دوفصلنامه علمی-ترویجی سخن تاریخ، س ۵، ش ۱۴.

امیری، حکیمه (۱۳۸۰). «تجارت خارجی ایران در دوره صفویه»، فصلنامه علمی-ترویجی تاریخ روابط خارجی، س ۲، ش ۷ و ۸.

تقوی، عابد (۱۳۸۸). «بازخوانی تحولات تجاری صنعت فرش در عصر صفوی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی گلجام، ش ۱۲.

ثواب، جهانبخش (۱۳۸۵). «سیاست‌های شاه عباس اول در رونق تجاری ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ، س ۱، ش ۲.

ثواب، جهانبخش و لعبت‌فرد، احمد (۱۳۹۶). «عوامل اقتصادی تنش میان صفویه و عثمانی در قفقاز و پیامدهای آن (۹۳۰-۱۰۳۸/۱۵۲۳-۱۶۲۹ م)»، فصلنامه علمی-پژوهشی، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، س ۷، ش ۲۷.

رضویان، رضیه (۱۳۸۳). «نقش قندهار در روابط ایران و هند (صفویان و گورکانیان)»، فصلنامه علمی-ترویجی تاریخ روابط خارجی، س ۵، ش ۱۸.

رنجبر، محمدعلی و همکاران (۱۳۹۱). «روابط تجاری ایران و روسیه در دوره دوم حکومت صفویه (۱۱۳۵-۹۹۶ ق/ ۱۷۲۳-۱۵۸۸ م)»، فصلنامه علمی-ترویجی تاریخ روابط خارجی، س ۱۳، ش ۵۱.

زینلی، ارسلان و مبین، ابوالحسن (۱۳۹۸). «تجار ارمنی و تجارت منسوجات در عهد صفوی»، فصلنامه علمی-تخصصی تاریخ‌نامه خوارزمی، س ۶، ش ۲۵.

سلطانیان، ابوطالب و مرادی، انوش (۱۳۹۱). «روابط تجاری ایران و هند در دوره صفویان متأخر با تکیه بر نقش عناصر فعال در آن»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های تاریخی، س ۴، ش ۴.

_____ (۱۳۹۰). «کارکرد ابریشم و نقش بازرگانی ارمنی در اقتصاد و سیاست صفویان (از دوره شاه‌عباس یکم تا پایان صفویان)»، پژوهش‌نامه علمی-پژوهشی تاریخ تمدن اسلامی، ش ۲.

شورمیچ، محمد (۱۳۹۴). «نقش ابریشم گیلان در اقتصاد عصر صفوی تا پایان دوره شاه‌عباس اول»، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران، س ۲۵، شماره ۲۷، پیاپی ۱۱۷.

قاسمی، زهرا (۱۳۸۷). «تجارت داخلی ایران در عصر سلطنت شاه‌عباس صفوی»، ماهنامه حافظ، ش ۵۱.

قائدان، اصغر (۱۳۹۱). «تأثیر بازرگانان هندی مقیم اصفهان بر تجارت دوره صفوی با تأکید بر بانیان»، پژوهش‌نامه علمی-پژوهشی تاریخ تمدن اسلامی، س ۴۵، ش ۲.

کریمی موغاری، زهرا و خرمی مقدمی، آزاده (۱۳۹۴). «بررسی عملکرد اقتصادی ایران در عصر صفوی و مقایسه آن با اروپای قرن ۱۷ با رویکرد نهادی»، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، س ۲۰، ش ۱۲۹.

گندگدو، عبدالله (۱۳۸۸). «عثمانی و تجارت جهانی طرح‌هایی برای بازگشت به سرمایه تاریخی»، ترجمه نصرالله پورمحمدی املشی، فصلنامه علمی-تخصصی تاریخ پژوهان، س ۵، ش ۱۹.

نوروزی، جمشید و رمضانی، شهرام (۱۳۹۴). «نقش بانیان و تجار هندی در اقتصاد ایران عصر صفوی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، س ۹، ش ۱۶.

